نهمین کنفرانس ملی
مطالعات میان‌رشته‌ای علوم دینی و حوزوی
9th National Conference on
Interdisciplinary Studies in Religious and Theological Sciences
www.psr.bcnf.ir

رویکرد تأییدی قرآن نسبت به فرهنگ با ذکر مصادیق و نمونه مثال ها

نصیراحمد صالح[1]

چکیده

تعامل میان پیام جهان‌شمول قرآن و کثرت فرهنگ‌های بشری، یکی از حوزه‌های کلیدی در مطالعات اسلامی معاصر است. این پژوهش با هدف تبیین رویکرد هنجاری قرآن کریم در قبال تنوع فرهنگی، به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که متن مقدس اسلام چگونه با فرهنگ‌های مختلف مواجهه می‌شود. مقاله حاضر استدلال می‌کند که قرآن، به جای ترویج یکسان‌سازی فرهنگی، یک «رویکرد تأییدی»را پایه‌ریزی می‌کند که ضمن احترام به کثرت‌گرایی، آن را در چارچوب یک نظام اخلاقی جهان‌شمول به رسمیت می‌شناسد. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی و تفسیر هرمنوتیکی آیات کلیدی قرآن و تفاسیر معتبر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این رویکرد بر سه اصل بنیادین استوار است: ۱) به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی به مثابه نشانه‌ای الهی (آیه)، ۲) تأکید بر کرامت ذاتی انسان فارغ از تعلقات فرهنگی، و ۳) تشویق به شناخت متقابل و تعامل سازنده (تعارف). نتایج این تحقیق نشانگر آن است که قرآن کریم نه تنها فرهنگ را تأیید می‌کند، بلکه با ارائه معیارهای اخلاقی، چارچوبی برای ارزیابی و تعالی آن نیز فراهم می‌آورد. این چارچوب می‌تواند به عنوان مبنایی نظری برای تدوین سیاست‌های فرهنگی در جوامع مسلمان و گفتگوی بینافرهنگی به کار گرفته شود.

کلیدواژگان: قرآن کریم، فرهنگ، کثرت‌گرایی فرهنگی، رویکرد تأییدی، گفتگوی بینافرهنگی، تعارف.

۱ مقدمه

تأثیر قرآن بر فرهنگ، یکی از جنبه‌های مهمی است که نقش اساسی در شکل‌گیری ارزش‌ها و اصول جوامع اسلامی ایفا می‌کند. رویکرد تأییدی قرآن نسبت به فرهنگ، به عنوان یک دیدگاه قطعی و مثبت، توسط این کتاب مقدس در تعیین جهت و الهیات فرهنگی جامعه اسلامی به وضوح نمایان شده است.

[1] دانشجوی دکتری جامعه المصطفی العالمیه – گرگان. Nasirsaleh1373@gmail.com

تأثیر قرآن بر فرهنگ، موضوعی است که در طول تاریخ اسلام مورد بررسی و توجه بسیاری از علما و پژوهشگران قرار گرفته است. این تحقیقات نشان می‌دهد که قرآن به عنوان معیار اصلی ارزش‌ها و اصول در جوامع اسلامی شناخته شده و در شکل‌گیری فرهنگ اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است.

از آن جمله، قرآن کریم برخی از آداب و رسوم اعراب را که نیک و پسندیده بوده و در ادیان الهی گذشته یا طبیعت انسانی و فطرت بشری ریشه داشت و نیز با وحی الهی تعارض نداشت، مورد تأیید قرار داد.

چنانچه در سخنان حضرت علی علیه السلام نیز بر حفظ آداب و سنت های پسندیده تأکید شده است. ایشان هنگامی که مالک اشتر نخعی را به ولایت مصر و شهر های تابع آن گماشتند، نامه ای به وی نوشتند که در بخشی از این نامه چنین آمیده است: (... و آیین پسندیده ای را بر هم مریز که بزرگان این امت بدان رفتار نموده اند، و مردم بدان وسیلت به هم پیوسته اند، و رعیت با یکدیگر سازش کرده اند، و آیینی را منه که چیزی از سنت های نیک گذشته را زیان رساند، تا پاداش از آن نهنده سنت باشد و گناه شکستن آن بر تو ماند) (سید رضی، بی‌تا، ص. ۳۲۹).

با توجه به دیدگاه تأییدی قرآن، روشن می‌شود که این کتاب مقدس با تبیین اصول ایمانی و اخلاقی، به‌طور فعال در تشکیل و تحول فرهنگ اسلامی تأثیرگذار بوده و به استقرار ارزش‌های اسلامی کمک کرده است که در ادامه به ذکر نمونه مثال ها و به بررسی مصادیقی از فرهنگ پذیری قرآن می پردازیم.

۲ تأیید برخی از ازدواج ها

۲,۱ نکاح متعه

یکی از انواع ازدواج های مرسوم در زمان ظهور اسلام، نکاح متعه بود. در این نکاح، از ابتدا مدت ازدواج معلوم می شد و با اتمام آن مدت، زن و شوی از هم جدا می شدند. دلیل آن نیز، سفرها و جنگ های متعدد بود. (جواد، ۱۹۷۶، ص. ۵۳۶). این ازدواج چون بر پایه واقعیت ها و نیاز های طبیعی پی ریزی شده بود، از جانب اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفت: (... فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فریضه...) (النساء: ۲۴).

البته در میان دانشمندان اهل سنت نسبت به این حکم اختلاف بسیاری است و چون خلیفه دوم عمر بن خطاب آن را منع کرده و قائل بر این هستند که این حکم اگر چه در آغاز عهد مدنی وجود داشته، اما بعد ها نسخ شده است و برخی معتقدند چون اصل جعل

حکم به خاطر رفع ضرورتی بود، در عهد عمر بن خطاب رضی الله عنه حکم به حالت طبیعی خود برگشت داده شد. (قرطبی، بی‌تا، ص. ۱۳۰).

با) نکاح بعوله: شکل رایج ازدواج در میان اهل جاهلیت، همانند این روزگار، ازدواجی به نام بعوله بوده که بر خواستگاری و مهریه و جواب و قبول استوار بوده است. این ازدواج در زمان ظهور اسلام در کل مناطق جزیره العرب شایع بوده است.

قرآن کریم نیز این نوع ازدواج مشروع و معقول را مورد تأیید قرار داد: (و أنکحو الایامی منکم والصالحین من عبادکم و إمائکم...) (النور:۳۲).

۳ تأیید برخی از طلاق ها

۳,۱ طلاق خلع

خلع یکی از اقسام طلاق است و آن در صورتی است که زن مایل به ادامه زندگی مشترک با شوهرش نباشد، و مهر یا مال دیگر خود را به او می بخشد تا طلاقش دهد. (خمینی، بی‌تا، ص. ۴۲۸). این نوع طلاق در جاهلیت مرسوم بود و با دادن مالی از طرف زن یا نزدیکان او به مرد صورت می گرفت. (جواد، ۱۹۷۶، ص. ۵۳۶).

قرآن کریم نیز این نوع طلاق را تأیید می کند: (... و لایحل لکم أن تأخذو مما اتیتموهن شیئا الا أن یخافا الا یقیما حدود الله فإن خفتم الا یقیما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به...) (البقره:۲۲۹).

۳,۲ طلاق بائن

در این نوع طلاق مرد زن خود را طلاق داده، سپس اگر می خواست به او رجوع می کرد. بعد از مدتی برای بار دوم او را طلاق داده و دوباره نیز اگر تمایل داشت به او رجوع می کرد تا اینکه تعداد طلاق ها به سه می رسید و در این صورت راه بازگشت مرد به زن مسدود شده و طلاق به صورت بائن در می آمد. جاهلیان برای این طلاق راه حلی داشتند و آن اینکه برای مرد جایز بود که به همسرش رجوع کند به شرط اینکه همسرش بعد از طلاق سوم، با مرد غریبه ای ازدواج کند و از او طلاق بگیرد و در این صورت مرد می توانست دوباره با آن زن ازدواج کند. (جواد، ۱۹۷۶، ص. ۵۳۶).

قرآن کریم این نوع طلاق و نحوه رجوع به همسر سه طلاقه را تأیید کرد: (فإن طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنکح زوجا غیره فإن طلقها فلا جناح علیهما أن یتراجعا إن ظنا أن یقیما حدود الله و تلک حدود الله یبینها لقوم یعلمون) (البقره: ۲۳۰).

۴ شیر دادن مادر به فرزند

شیر دادن مادر به فرزند در بین عرب شأن و جایگاه والایی داشت. آنان در از شیر گرفتن فرزندان خود عجه نمی کردند. مدت زمان شیر دادن که در بین عرب متعارف بوده، بالغ بر بیست ماه بوده است.[۱] قرآن کریم این رسم سازگار با عواطف انسانی را تأیید می کند و مدت شیر دادن کامل را دو سال تمام اعلام می کند: (والوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن أراد أن یتم الرضاعه...) (البقره: ۲۳۳).

۵ محرم شدن رضاعی

برخی از اعراب خصوصا کسانی که در شهر ها زندگی می کردند، فرزندان خود را جهت شیر خوردن به دایه های بادیه نشین می سپردند تا دوران کودکی فرزندانشان در بادیه و در هوای پاک و سالم آن سپری شود و در نتیجه به صورت عرب خالص بار آیند. (جواد، ۱۹۷۶، ص. ۵۳۶). در قرآن این رسم به طور تلویحی تأیید شده است: (... و إن أردتم أن تسترضعوا أولادکم فلا جناح علیکم إذا سلمتم ما اتیتم باالمعروف...) (البقره: ۲۳۳).

پس از اینکه فرزند از دایه خود شیر می خورد، دایه و دختر او در حکم مادر رضاعی و خواهر رضاعی وی و محرمش می شدند که قرآن کریم نیز به آن اشاره و آن را تأیید می کند: (... و امهاتکم اللاتی أرضعنکم و أخواتکم من الرضاعه...) (النساء: ۲۳).

البته به جز مادر و خواهر، تمام محارم نسبی مانند عمه و خاله نیز به سبب رضاع محرم می شوند که به وسیله سنت ثابت شده و از پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر آن رسیده است که فرمودند: (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب). (فاضل مقداد، بی‌تا، ص. ۱۸۲).

۶ پذیرایی از حجاج کعبه

پذیرایی از حجاج مکه که به تنظیم بهتر امور دینی و اجتماعی کمک می‌کرد، مورد تأیید اسلام قرار گرفت (واقدی، بی‌تا، ص. ۸۶۶). پیامبرصلی الله علیه وآله پس از شکستن بتهای کعبه، خطاب به مردم مکه و سایر مسلمانان گفت: تمامی مفاخر و خونها و اموالی که نسبت به هم ادعا می‌کنید، زیر پای من قرار دارد، مگر کلیدداری کعبه و آب‌رسانی به حجاج.

---

[۱] - دروزه ۱۳۸۴ ق، ص ۲۵۸.

۷ پیمان ها و قرار داد های اجتماعی

همچنین یکی از سنّتهای جاری، پیمانهای دوران جاهلیت بود که از سوی پیامبرصلی الله علیه وآله به رسمیت شناخته شد (واقدی، بی‌تا، ص. ۸۶۶). پیمانها و قراردادهای اجتماعی که مسلماً به گردش مناسب‌تر و تنظیم امور اجتماعی و یا حمایت از مظلومان می‌انجامید، از سوی پیامبرصلی الله علیه وآله مورد تأیید قرار گرفت و پیامبرصلی الله علیه وآله دلیلی برای رد آنها ندید. حتّی خود پیامبرصلی الله علیه وآله در برخی از این پیمانها مشارکت داشت. اسلام حتّی در میان آداب و سنّتهای اجتماعی و سیاسی، مواردی را که غیر مضر و به عنوان سنّتهای جاری و مورد قبول بوده رد نکرده و دلیلی بر بطلان آنها ندیده است و عملاً نیز به تأیید این آداب و رسوم پرداخته است. آورده‌اند که پیامبرصلی الله علیه وآله، برای قیصر روم نامه‌ای نوشت که مهر نداشت. مسلمانان گفتند اگر ممهور نباشد، قیصر آن را نخواهد خواند. پیامبرصلی الله علیه وآله انگشتر نقره‌ای فراهم کرد که روی آن «محمّد رسول اللّه» نوشته بود و نامه را مهر کرد (ابن سعد، بی‌تا، ص. ۲۳۰). چنان که در این روایت می‌بینیم پیامبرصلی الله علیه وآله از آنجا که برقراری ارتباط با بیگانه جهت ابلاغ پیام اسلام را ضروری می‌بیند، نسبت به این رسم و عرف جاری در روابط خارجی، انعطاف به خرج می‌دهد؛ ولی در عین حال رنگ و بوی اسلامی به آن می‌دهد و با ثبت نام «محمد رسول اللّه» حقانیت نبوت خود را به طرف مقابل نشان می‌دهد.

۸ ولیمه دادن

از دیگر آداب و سنّتهای رایج در میان عرب که به دلیل تأثیر مثبت در روابط اجتماعی افراد، مورد تأیید پیامبرصلی الله علیه وآله قرار گرفت، سنّت ولیمه دادن بود. عرب به مناسبت‌های مختلف ولیمه می‌داد. گزارشهای تاریخی حاکی از آن است که حدود شانزده نوع ولیمه در میان آنان مرسوم بوده است. عرب به مناسبت‌هایی چون خواستگاری و ازدواج، خرید یا ساخت خانه، تولّد فرزند، ختنه، بازگشت مسافر و زائر، از دست دادن کسی و رسیدن میهمان، ولیمه می‌دادند(جواد، ۱۹۷۶، ص. ۶۸۵). مطالعه روایات نشان می‌دهد که معصومان‌علیهم السلام این سنّت و رسم اجتماعی عرب را رد نکرده‌اند. در روایتی از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که ایشان برخی از ولیمه‌های عرب را مورد تأیید قرار داده است. در این روایت ولیمه دادن به مناسبت ازدواج، تولد فرزند، ختنه، خرید خانه و بازگشت از مکه مورد تأیید قرار گرفته است.

۹ مهمان نوازی

یکی از صفت های بارز عرب جاهلی، مهمان نوازی آنان بوده است. عرب جاهلی با آنکه برای بدست آوردن منابع زیستی در هر حال به شدت در تلاش بود و برای رسیدن به آن حتی جنگ ها و جدال هایی نیز به راه می انداخت، در عین حال در برخورد با مهمان و

پذیرایی و حمایت او روحیه‌ای کاملا مساعد داشت، این مسأله در مواردی می توانست مسلمین را یاری نماید و آنان را از رنج غریبی و تنهایی نجات بخشد.

از جمله روایات تاریخی که به خوبی نشان دهنده چنان روحیه‌ای می باشد سخنان- سعد بن ربیع انصاری به میهمان مهاجر اوست که گفت: من ثروتمندترین مردم مدینه ام، به اموال من بنگر و آنچه می خواهی برگیر، در ضمن من دو همسر دارم به آنان نگاه کن، هر کدام را مناسب تر دیدی او را برای تو طلاق می دهم(جعفریان، بی‌تا، ص. ۵۳).

از نمونه های دیگر مهمانی است که برای پیامبر اکرم رسید، افرادی از صحابه از پذیرفتن او عذر خواستند زیرا در خانه جز آب چیز دیگری نداشتند، یکی دیگر از انصار او را به خانه خود دعوت کرد و با آنکه در خانه فقط غذائی برای کودکان موجود بود او کودکان را خواب کرد و غذا را نزد میهمان نهاد و چراغ را به ظرافت خاموش و وانمود کرد که خود نیز به خوردن غذا مشغول است تا میهمان به تنهائی از آن غذا بخورد و سیر شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ص. ۲۳).

این روحیه اگر چه از جاهلیت به ارث رسیده بود ولی اسلام و پیامبر اکرم نیز در تقویت آن بسیار کوشیدند. و جود چنین روحیه‌ای در بدو تشکیل حکومت در مدینه در میان مسلمین باعث می شد که فقر به شکل معجزه آسائی از میان جامعه بر افکنده شود و همه را به نظام و مؤثر بودن آن در حل مشکلات امیدوار سازد (جعفریان، بی‌تا، ص. ۵۳).

۱۰ احترام به پناهندگان

در باره احترام به پناهندگان و حمایت از ضعیفان نیز عرب پیش از اسلام زبان زد خاص و عام بوده است (جعفریان، بی‌تا، ص. ۵۳). جالب ترین شاهد بر احترام به پناهندگان ضرب المثل معروف (احمی من مجیر الجراد) است. مجیر به معنای پناهنده است و جراد به معنای ملخ. این جمله لقب یکی از رؤسای قبایل عرب بود که روزی از خیمه خود بیرون شد، گروهی را دید که با توبره و وسایل دیگر به سوی خیمه او می آیند. چون سبب را پرسید، گفتند: از دیشب دسته‌ای ملخ گرد چادر تو نشسته است، می خواهیم آن ها را شکار کنیم، آن فرد به خیمه خود رفت و نیزه خود را به دست گرفت و رو به روی آن ها ایستاده و گفت: ملخ ها به سایه چادر من پناه آورده اند و شما می خواهید آن ها را شکار کنید؟! چنین چیزی نخواهد شد؛ هرکس بخواهد به این ملخ ها نزدیک شود نخست سوزش نیزه مرا خواهد چشید و چندان پایداری کرد تا آفتاب بر آمد ملخ ها متفرق شدند. آنگاه گفت: اکنون دیگر ملخ ها در حمایت من نیستند و شما می توانید به شکار آنها بروید (ابراهیمی و کیانی، ۱۳۸۲، ص. ۶۶).

مشهور است که پس از مرگ مجیر جراد، مردم عرب قبر او را بست و محل امن شناختند. و هر آن کس که به قبر او پناهنده می شد، نیز در امان بود (میرزاخانی، بی‌تا، ص. ۱۷). این ضرب المثل ها خود شاهد معتبر و روشنی بر اهتمام ملت عرب به حقوق پناهندگان می باشد.

۱۱ وفاداری

عرب پیش از اسلام هر چند به رذایل آلوده بودند، اما دارای صفات پسندیده و فضایل اخلاقی از جمله پای بندی به عهد و پیمان بودند. ملت عرب بر عکس بسیاری از ملت های دیگر، به سادگی با سایر مردم عهد و پیمان منعقد می کردند و پس از انعقاد پیمان، نقض آن را گناهی بزرگ می شمردند. از این رو تاریخ در کمتر موردی شاهد نقض عهد و پیمان از سوی ملت عرب بوده است (ابراهیمی و کیانی، ۱۳۸۲، ص. ۶۶). علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید: اگر با دشمنت پیمانی بستی و در ذمه او را امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا کن وخود را چون سپری برابر پیمانت برجادار، چه اینکه مردم بر هیچ چیز از واجبات الهی همچون بزرگ شمردن وفای به عهد، سخت نباشد... و مشرکان نیر وفای به عهد را در میان خویش لازم می شمردند، زیرا زیان پیمان شکنی را آزموده بودند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۱۲ شجاعت

عرب در راه عقیده اظهار شجاعت نموده و سخنرانی می کردند (ابن خلدون، بی‌تا، ص. ۳۱۸). و در دفاع از شرافت قبیله یا زنان خود و صیانت از خواری و ذلت اسارت، شجاع و دلیر بودند و در این راه، اعتنایی به مرگ نمی کردند. عرب های بادیه نشین از ساکنان شهرها شجاع تر بودند، اینان پیوسته مسلح و مجهز بودند و در راه ها با توجه کامل به همه جوانب می نگریستند و مواظب خود از هر خطری بودند. آنها از خوابیدن و استراحت کردن پرهیز می کردند، مگر خواب اندکی در همان جایگاهی که نشسته بودند و بر بالای جهاز اشتران هنگام مسافرت ها همواره با کنجکاوی دقیق به هر صدای آهسته یا غرش سهمناک که از دور می شنیدند به دقت گوش می سپردند و در دشت های خشک و صحراهای وحشت انگیز با اتکاء به دلاوری و سر سختی و اعتماد به نفس خویش تنها سفر می کردند، چنانکه گویی سر سختی و دلاوری سجیت و سرشت آنان شده بود وهمین که موجبی پدید می آمد، یا بانکی بر می خاست و آنان را به یاری می طلبید بی درنگ به سوی آن می شتافتند و هیچ گونه هراس به خود راه نمی دادند (سالم، بی‌تا، ص. ۳۴۶).

۱۳ ختنه کردن

ایام ولادت در عرب معمول است که اظهار شادمانی نموده و بین خودشان جشن گرفته، به عیش و عشرت مشغول می شدند ولی در ختنه کردن هر طفل ذکوری فرض و حتمی بود که جشن عمومی گرفته و شادی هنگامه‌ای به پا کنند.

عموما طفل را در سن شش یا هفت سالگی ختنه می کردند، موقع ختنه ابتدا طفل را با شکوه و جلال از خانه بیرون آورده به این معنی که لباس های فاخر در بر، نقاب بر صورت، روی اسبی از زین مرصع سوار، اطفال چندی هم با لباس های نو گرداگرد او جمع، جلو این جمعیت یک نفر دلاک که شغلش ختنه کردن است با دسته‌ای مطرب پشت سر آنها جمعیت زن با صدای هلهله شادی و با این دبدبه و جلال طفلی را به عبادتگاه که به انواع شمع و چراغ آن را مزین و منور نموده بودند می بردند و بعد از آنجا طفل به خانه مراجعت داده، مدعوین مشغول صرف غذا می شدند و بعد از غذا اکثر اتفاق می افتاد که دسته بازیگران مشغول بازی می شدند ولی عموما طفل را بعد از صرف غذا ختنه می کردند و به محض اینکه صدای گریه طفل شنیده می شد در حین ختنه مشغول زدن سنج می شدند. مدعوین هر یک در جای خود قرار گرفته مشغول صرف شربت و... می شدند (گوستاولوبون، بی‌تا، ص. ۴۵۳).

۱۴ نتیجه گیری

با تجزیه و تحلیل مفاهیم و آیات قرآنی، می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد تأییدی قرآن نسبت به فرهنگ، به وضوح ارتباط مثبت و تأییدی با تنوع فرهنگی دارد. قرآن به عنوان کتاب مقدس اسلام، اصول و ارزش‌هایی اعلام می‌کند که به ترویج احترام به تفاوت‌ها، تعامل مثبت با فرهنگ‌های مختلف، و حفظ هویت و اخلاق ارتباط دارند. این نتایج نشان می‌دهد که قرآن به عنوان راهنمای اجتماعی و فرهنگی، انسان را به پذیرش و تعامل با فرهنگ‌های مختلف تشویق می‌کند و مسیری را برای ارتقاء ارتباطات فرهنگی بهتر و تبادل سازنده با دیگران پیشنهاد می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱- ابراهیمی و ر کیانی، محدم، تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی، قم، دفتر نشر معارف، اول ۱۳۸۲.

۲- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه بن خلدون، ج ۱، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ه.ق

۴- ابن هشام، السیرة النبویة، بیروت، المکتبة العلمیة، بی تا.

۵- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری، ج ۱و ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوم ۱۳۶۹.

۶- جواد، علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی جا.

۷- خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، تهران: پیام حق، چاپ بیست وچهارم،۱۳۸۶ ش.

۸- دروزه، محمد عزه، عصر النبی و بیئته قبل البعثه، بیروت، دارالیقظه العربیه، چاپ دوم ۱۳۸۴ ق.

۹- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه: باقر صدری نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول ۱۳۸۰.

۱۰- سید رضا، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم ۱۳۷۸ ش.

۱۱- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۶ م.

۱۲- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول، ص ۱۳۶۴ ش.

۱۳- لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات افراسیاب، دو م ۱۳۸۰.

۱۴- مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، تاریخ اسلام، بی جا، واحد آموزشی عقیدتی سیاسی ستاد مرکزی، اول ۱۳۶۵.

۱۵- مقداد، فاضل، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۹ ق.

۱۶- میرزاخانی، حسین، گزیده‌ای از تاریخ تحلیلی اسلام به انضمام تحلیل سیره‌ی نبوی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلام، اول ۱۳۶۹.

۱۷- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات ۱۴۰۹ ق.